بسم الله الرحمن الرحیم

مسجد بستر نشر فرهنگ ایثار و شهادت

انگیزه سازی

سید محمد مدنی، جانباز سرافراز دوران دفاع مقدس که در عملیات بیت المقدس و در جریان آزادسازی جاده اهواز به خرمشهر بر اثر برخورد مستقیم گلوله دشمن، دچار قطع نخاع شده و از آن روز، تبدیل به روایتگر جنگ شده است، در بیان خاطراتی از روحیه جوان‌مردی و ایثار و شهادت از دوران دفاع مقدس چنین نقل می‌کند:

«یك روز رزمنده‌اي را ديدم كه بر زمين افتاده و شهيد شده، آن‌هم با لباس خاكيِ بسيجي و پاره. يك نفر گفت او را مي‌شناسي و من گفتم فلاني است، كه او گفت: زيرپوشش را ببين كه وصله دارد. وصله را ديدم و تعجب كردم از اين‌كه آن شهید بسیجی، مسئول تداركات يك گردان 300 نفره بود كه همه جور امكاناتي دراختيارش قرار داشت، ولي فقط به اندازه سهمش برمي‌داشت.

در روزها و شب‌هاي عمليات، عراقي‌ها بچه‌هاي ما را به رگبار مي‌بستند و به جرأت مي‌گويم به ازاي هر نيروي ما، يك تانك عراقي وجود داشت، اما رزمنده‌ها با وجود اين‌كه تانك‌ها را مقابل خود مي‌ديدند، تك تك تيراندازي مي‌كردند و مي‌گفتند اين گلوله‌ها متعلق به بيت المال است و بايد با هر تير، يك دشمن را زد.

يادم است روزي براي حاج همت يك بشقاب سبزي پلو با تن ماهي آوردند. غذا را گرفت و پرسيد: همه بچه‌ها از همين غذا مي‌خورند؟ كه در جواب به او گفتند: شما بخوريد و بقيه هم يك كاري مي‌كنند. اما شهيد همت غذا را پس داد و گفت: اين را بدهيد به بچه‌ها و براي من نان و پنير بياوريد. ما از اين فرمانده‌ها در جنگ زياد داشتيم و براي همين هم بود كه رزمنده‌ها حاضر بودند جانشان را براي آنها فدا كنند.  
رزمنده‌هايي داشتيم كه حاضر نبودند ته سنگر كه امن‌تر است، بخوابند و مي‌آمدند دم در دراز مي‌كشيدند، تا اگر گلوله‌اي آمد به آنها بخورد. وقتي هم كه مشغول پيشروي بوديم، هميشه چند نفر پيشقدم مي‌شدند تا جلوتر حركت كنند و اگر یک مين سر راه بود، آنها را بكشد، نه همه بچه‌ها را. اين‌ها حقايق جبهه‌هاي ماست. آن‌جا خيلي‌ها دوست داشتند فداي ديگران بشوند.

شب‌هايي كه در بيابان‌هاي شلمچه به سمت اردوگاه‌هاي عراقي پيشروي مي‌كرديم، هميشه عده‌اي بودند كه جلو حركت مي‌كردند تا اگر گلوله‌اي يا خمپاره‌اي آمد، به آنها اصابت كند، در حالي كه مي‌توانستند لاي جمعيت حركت كنند.

يادم هست يك بار رزمنده‌اي يك نصف ليوان آب داشت و آن را داد به رزمنده‌اي ديگر. همه فكر كرديم خودش نصف آب را خورده، اما بعد فهميديم تمام آبي را كه در اختيار داشت، همان نصف ليوان بود. يا رزمنده‌هايي داشتيم كه دچار سردرد مي‌شدند يا به هر دليل نياز به مُسكّن پيدا مي‌كردند، اما چون دارو محدود بود، به هر رزمنده فقط يك قرص مي‌دادند، اما عده‌اي خودشان را به مريضي مي‌زدند و حتي گاهی دندان سالمشان را مي‌كشيدند تا قرص مُسكّن بگيرند و بدهند به آن رزمنده‌ی دردمند. از اين آدم‌ها در جبهه‌ها فراوان بود. در دوران جنگ تحميلي صفات عاليه انساني در ميدان جنگ ظاهر شد.»[[1]](#footnote-1)

اقناع اندیشه

ایثار و از خود گذشتگی، از جمله مفاهیم آشنا در فرهنگ اسلامی می‌باشند و جزو ارزش‌های دینی و حتی انسانی محسوب می‌گردند. لغتنامه دهخدا کلمه «ایثار» را اینگونه تعریف کرده است:

«غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن. برگزیدن؛ یعنی منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن و این کمالِ درجه سخاوت است.»

شهادت نیز درجه‌ی اعلای ایثار است که فردِ ایثارگر، جان و مال خود را برای حفظ جان و مال و آبروی دیگران در معرض خطر قرار داده و در همین راه جان خویش را اهدا خواهد کرد.

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرى‏ مِنَ الْمُؤْمِنينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقاتِلُونَ في‏ سَبيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعْداً عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْراةِ وَ الْإِنْجيلِ وَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أَوْفى‏ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذي بايَعْتُمْ بِهِ وَ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ.[[2]](#footnote-2)

(خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خريدارى كرده، كه (در برابرش) بهشت براى آنان باشد (به اين گونه كه:) در راه خدا پيكار مى‏كنند، مى‏كُشند و كشته مى‏شوند. اين وعده حقّى است بر او، كه در تورات و انجيل و قرآن ذكر فرموده و چه كسى از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اكنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدى كه با خدا كرده‏ايد و اين است آن پيروزى بزرگ!)

اما رسیدن به این درجه از ایثار و توفیقِ شهادت، چیزی نیست که به سادگی و یا به صورت اتفاقی به دست آید، بلکه نیاز به مقدماتی دارد. همانگونه که امام خمینی (رحمة الله علیه) می‌فرمایند: «از خدا بخواهید که شما را توفیق بدهد، توفیق شهادت بدهد، توفیق عزت بدهد. شهادت عزت شماست.»[[3]](#footnote-3)

و همچنین می‌فرمایند: «شهادت فخر اوليا بوده است و فخر ما.»[[4]](#footnote-4)

و می‌فرمایند: «در بستر مُردن، مُردن است و چيزي نيست، لكن در راه خدا رفتن، شهادت است و سرفرازي و تحصيل شرافت براي انسان و براي انسان‌ها.»[[5]](#footnote-5)

شاید با شنیدن کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره فضیلت شهدا، بتوان اندکی بیشتر اوج مقام شهید و فضیلت شهادت را درک نمود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) لِلشَّهِيدِ سَبْعُ خِصَالٍ مِنَ اللَّهِ أَوَّلَ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِهِ مَغْفُورٌ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ وَ الثَّانِيَةُ يَقَعُ رَأْسُهُ فِي حَجْرِ زَوْجَتَيْهِ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَ تَمْسَحَانِ الْغُبَارَ عَنْ وَجْهِهِ وَ تَقُولَانِ مَرْحَباً بِكَ وَ يَقُولُ هُوَ مِثْلَ ذَلِكَ لَهُمَا وَ الثَّالِثَةُ يُكْسَى مِنْ كِسْوَةِ الْجَنَّةِ وَ الرَّابِعَةُ تَبْتَدِرُهُ خَزَنَةُ الْجَنَّةِ بِكُلِّ رِيحٍ طَيِّبَةٍ أَيُّهُمْ يَأْخُذُهُ مَعَهُ وَ الْخَامِسَةُ أَنْ يُرَى مَنْزِلَهُ وَ السَّادِسَةُ يُقَالُ لِرُوحِهِ اسْرَحْ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شِئْتَ وَ السَّابِعَةُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ وَ إِنَّهَا لَرَاحَةٌ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَ شَهِيدٍ.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: خدا هفت ویژگی به شهید داده است:

1. با ریختن اوّلین قطره‌ی خون آمرزیده می‌شود؛

2. سر شهید در دامان دو همسرش از حوریان بهشت قرار می‌گیرد، و آنان غبار را از چهره‌اش می‌زدایند و به او خوشامد می‌گویند، و او نیز به آنها همین را می‌گوید؛

3. از لباس‌های بهشت پوشانده می‌شود؛

4. نگهبانان بهشت با بوهای خوش و معطّر به استقبال او می‌آیند؛

5. جایگاه خود را مشاهده می‌کند؛

6. به روح او گفته می‌شود هر جای بهشت را که خواستی آزادانه انتخاب کن و به آنجا برو؛

7. به وجه خدا می‌نگرد و از هر رنجی می‌رهد؛ و این (آسایشی) برای تمام پیامبران و شهدا است.

اما همانطور که اشاره شد، شهادت نصیب هر مؤمنی نمی‌شود، بلکه تحفه‌ای است که مؤمنانِ هوشمند و خالص و پرتلاش به آن دست می‌یابند. مرگ برای هر انسان، آخرین برگ از دفتر زندگی اوست و شهادت برای چنین مؤمنان خالصی، برگی زرین در پایان دفتر نورانی زندگیشان می‌باشد.

برای آگاهی از اینکه در چه شرایطی فرد، شهید محسوب شده و از اجر شهیدان بهره‌مند می‌گردد، نگاهی به بخشی از کلمات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این زمینه می‌اندازیم.

سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) يَقُولُ إِذَا جَاءَ الْمَوْتُ‏ طَالِبَ‏ الْعِلْمِ‏ وَ هُوَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ مَاتَ شَهِيداً.[[6]](#footnote-6)

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدیم: هنگامی که مرگ به سراغ طالب علم بیاید و او در این حال (از دنیا برود)، شهید مرده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) مَنْ‏ عَاشَ‏ مُدَارِياً مَاتَ‏ شَهِيداً.[[7]](#footnote-7)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس به گونه‌ای زندگى کند که مردم از او آزارى نبینند و در حال مداراى با مردم از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است.

وَ قَالَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله و سلم) مَنْ‏ نَامَ‏ عَلَى‏ الْوُضُوءِ إِنْ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ فِي لَيْلِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ شَهِيد.[[8]](#footnote-8)

نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس با وضوء بخوابد، اگر مرگش در آن شب فرا رسد، نزد خداوند شهید محسوب می‌گردد.

عَنِ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله و سلم) قَالَ: مَنْ‏ سَأَلَ‏ اللَّهَ‏ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ‏ بَلَّغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ إِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ.[[9]](#footnote-9)

نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس با صدق نیت از خداوند طلب شهادت نماید، خداوند متعال او را به جایگاه شهداء می‌رساند، اگر چه که در بستر خود مرده باشد.

با نگاهی به احادیث فوق معلوم می‌گردد که اگر چه شهادتِ اصطلاحی و به معنای کشته شدن در میدان جنگ با دشمنان اسلام، در تمام زمان‌ها و مکان‌ها برای مؤمنین مقدور نمی‌باشد، اما باب شهادت، همیشه و برای همگان باز است، زیرا مرگ در حالی که فرد، در مسیر تلاش در راه خدا و اهتمام به فرامین الهی می‌باشد، شهادت است.

بنابراین شاید بتوان اینگونه نتیجه گرفت که اگر چه مجاهدان و شهیدان در جبهه‌های نبرد با دشمنان اسلام، در اوج درجات رحمت و رضایت الهی به سر می‌برند، اما در طول تاریخ، بیش از آنکه از جبهه‌های جنگ، شهید راهِ حق بوجود آمده باشد، از مساجد و محافل معنوی و مذهبی، شهیدانی در راه اسلام و رضایت الهی برخواسته‌اند و با هزینه کردن تمام عمر خویش در راه دینِ خدا و نشر معارف دینی، باعث امتداد مسیر هدایت و جلوه‌ی هر چه بیشترِ آئین پیامبر اکرم و امامان معصوم (علیهم السلام) شده و به این توصیه‌ی امام رضا (علیه السلام) عمل نموده‌اند که می‌فرماید: «كُونُوا زَيْناً وَ لَا تَكُونُوا شَيْناً، حَبِّبُونَا إِلَى النَّاسِ وَ لَا تُبَغِّضُونَا.»[[10]](#footnote-10) (زینت ما باشید و باعث بد جلوه کردن ما نباشید. ما را محبوب مردم گردانید و باعث بغض مردم نسبت به ما نشوید.)

حتی می‌توان اینگونه گفت که بیشتر جوانان و افرادی که در زمان جنگ، سینه‌ی خویش را سپر کرده و به مقابله با دشمن می‌شتابند، کسانی هستند که پیش از آن در مساجد، تربیت دینی یافته و با آموختن احکام دین، غیرت دینی خود را تقویت کرده و با مبارزه در مسیر جهاد اکبر، نفس خود را بارها شکست داده و اراده‌ی خویش را در راه مبارزه‌ی مقدس و الهی تقویت کرده‌اند، و اکنون نبرد در جهاد اصغر، امتداد همان مبارزه‌ی قبلی برای آنها می‌باشد. با این تفاوت که اکنون به جای مبارزه با شیطان و نفس، با شیاطین انسی می‌جنگند.

پرورش احساس

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) فَقَالَ إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّتْنِي وَ إِذَا خَرَجْتُ شَيَّعَتْنِي وَ إِذَا رَأَتْنِي مَهْمُوماً قَالَتْ مَا يُهِمُّكَ إِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكَفَّلَ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَ إِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَزَادَكَ اللَّهُ هَمّاً فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَ هَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ لَهَا نِصْفُ‏ أَجْرِ الشَّهِيدِ.[[11]](#footnote-11)

در ماجرایی شنیدنی از زمان صدر اسلام این‌چنین نقل شده است که مردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم به استقبالم می‌آید، و چون از خانه بیرون می‌روم، بدرقه‌ام می‌کند و زمانی که مرا اندوهگین می‌بیند می‌گوید: اگر برای رزق و روزی (و مخارج زندگی) غصه می‌خوری، بدان که خداوند آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت خود غصه می‌خوری، خدا اندوهت را زیاد کند (و بیشتر به فکر آخرت باشی.)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: برای خدا کارگزارانی (در روی زمین) وجود دارد و این زن یکی از آن کارگزاران خداست که پاداش او برابر با نیمی از پاداش شهید است.

آری، گرچه در اسلام برای زنان حضور در میدان جنگ لازم نبوده و جهاد به این شکل از آنها برداشته شده است، اما جهادی دیگر که به همان اندازه سخت و طاقت فرسا می‌باشد، برای آنها تعیین شده. آن‌چنان که در کلامی منقول از رسول گرامی اسلام آمده: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ‏ التَّبَعُّلِ‏.»[[12]](#footnote-12) (جهاد زن، نیکو شوهرداری کردن است.) و مطابق حکایتی که نقل کردیم، زنی که اینگونه شوهرداری می‌کند، بدون اینکه حتی جان خود را از دست داده باشد، نیمی از اجر شهید را نصیب خود کرده است. و مطابق برخی روایات دیگر، اگر در هنگام حاملگی و وضع حمل، از دنیا برود، تمام اجر یک شهید را به دست آورده است.[[13]](#footnote-13)

پس همانگونه که مردان مسلمان بر حضور در کارزار با دشمنان اسلام تشویق و ترغیب می‌شوند و به آنها وعده‌ی فیض شهادت داده می‌شود، باید بانوان جامعه اسلامی را به نیکو شوهرداری کردن و اهتمام در تربیت صحیح و پسندیده‌ی اولاد تشویق نمود تا مردان و زنان مسلمان دوش به دوش هم در مسابقه‌ی الهی شرکت جسته و در کسب فیوضات از یکدیگر سبقت بگیرند. آنگونه که خداوند متعال می‌فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ»[[14]](#footnote-14) (در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جویید!)

رفتارسازی

در مقایسه‌ای میان فرهنگ و روحیات مردم در جامعه‌ اسلامی و جوامع مادی، شاهد آن هستیم که روحیه‌ی ایثار و شهادت، در جوامع مادی یا بسیار ضعیف بوده و یا به طور کلی از بین رفته است. گرچه تمام انسان‌ها ایثار را تحسین می‌کنند، اما با اندیشه و نگاه مادی، انگیزه‌ی چندانی برای ایثار و شهادت باقی نمی‌ماند. از این رو باید ایثار و شهادت را معلول برخی اعتقادات و عادات خاص در افرادِ یک جامعه دانست و جا دارد تا در مساجد و محافل مذهبی، هر چه بیشتر این عوامل تقویت شوند، تا روحیه‌ی ایثار و شهادت در جامعه نشر بیشتری بیابد.

برخی از آن عوامل به این شرح است:

1. ترک دنیاطلبی: از آنجایی که با وجود روحیه‌ی دنیاطلبی در افراد، ایثار و از خودگذشتگی برای آنها معقول و منطقی نخواهد بود، می‌بایست نگاه دینی و الهی که همان ترجیح آخرت بر دنیا می‌باشد را در میان مردم و خصوصاً نسل جوان گسترش داد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در این زمینه می‌فرمایند: «حُبُ‏ الدُّنْيَا رَأْسُ‏ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ قَالَ: الدُّنْيَا جِيفَةٌ وَ طَالِبُهَا كِلَابٌ.»[[15]](#footnote-15) (علاقه و محبت به دنیا، ریشه‌ی تمام خطاها می‌باشد. و همچنین فرمودند: دنیا به مانند مرداری است که سگ‌ها به دنبال آن هستند.)
2. تقویت غیرت دینی: انسان مؤمن، هر چند اهل عبادت و زهد باشد، اما تا زمانی که برای دین و مسلک خود غیرت به خرج ندهد، و از دیدن گناه یا توهین به مقدسات آشفته نگردد و واکنشی نشان ندهد، تأثیر مثبتی در جامعه نخواهد داشت و قطعاً نخواهد توانست با شجاعت در مقابل دشمنان خدا ایستادگی کند. همانگونه که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ‏ الضَّعِيفَ‏ الَّذِي‏ لَا زَبْرَ لَهُ‏ وَ قَالَ هُوَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ.»[[16]](#footnote-16) (همانا خداوند متعال مؤمن ضعیفی که استقامت ندارد را مبغوض می‌دارد و سپس فرمودند این فرد آن کسی است که نهی از منکر نمی‌کند.)
3. ترک تکبر و خودخواهی: فردی که دچار خودمحوری و خودخواهی باشد، هرگز رفاه و آسایش خویش را فدای دیگر افراد نمی‌کند، چرا که در ذهنش انتظار دارد تا دیگران برای او فداکاری و ایثار نمایند و اگر در ظاهر بخشش‌هایی مالی انجام دهد، اعمالی سطحی و غیر مقبول در درگاه خداوند می‌باشند و در نهایت نیز هرگز حاضر نخواهد بود جان خود را برای حفظ دیگران فدا کند. از همین رو أمیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «الْعُجْبُ‏ هَلَاكٌ»[[17]](#footnote-17) (عُجب و خودبزرگ‌بینی، سبب هلاکت است.)

به امید آنکه خداوند، شهادت در رکاب حجتش را نصیب و روزی ما گرداند. إن شاء الله.

1. مصاحبه با سید محمد مدنی، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی نوید شاهد [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره توبه، آیه 111 [↑](#footnote-ref-2)
3. صحیفه امام، ج 6، ص 312 [↑](#footnote-ref-3)
4. صحیفه امام، ج 9، ص 421 [↑](#footnote-ref-4)
5. صحیفه امام، ج 14، ص 257 [↑](#footnote-ref-5)
6. زین الدین بن علی (شهید ثانی)، منیة المرید، ص 122 [↑](#footnote-ref-6)
7. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين ( ط- القديمة)، ج 2، ص 380 [↑](#footnote-ref-7)
8. قطب الدین راوندی، الدعوات، ص 214 [↑](#footnote-ref-8)
9. محمد باقر بن محمد تقی (علامه مجلسی)، بحار الأنوار (ط – بیروت)، ج 67، ص 201 [↑](#footnote-ref-9)
10. الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام، ص 356 [↑](#footnote-ref-10)
11. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 389 [↑](#footnote-ref-11)
12. محمد بن یعقوب (کلینی)، الکافی (ط – اسلامیه)، ج 5، ص 9 [↑](#footnote-ref-12)
13. نعمان بن محمد مغربی (ابن حیون)، دعائم الإسلام، ج 1، ص 226 [↑](#footnote-ref-13)
14. سوره بقره، آیه 148 و سوره مائده، آیه 48 [↑](#footnote-ref-14)
15. مصباح الشریعة (منسوب به امام صادق علیه السلام)، ص 138 [↑](#footnote-ref-15)
16. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، ص 344 [↑](#footnote-ref-16)
17. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، الخصال، ج 2، ص 506 [↑](#footnote-ref-17)